

بدون شناخت انگیزه ها و دلایل حاکمیت، نمی توان مشی و سیاست مخالف را برگزید

ضرورت شناخت انگیزه ها و دلایل سیاست جنگی در ایران

در فاصله انتشار دو شماره ۱۳۵ و ۱۳۶ راه توده (دوره اینترنتی) کتاب و در واقع تحلیل مرکز سیاسی- استراتژیک فرانسه بدستمان رسید. بخش مقدمه و نکاتی از این کتاب را در این شماره راه توده می خوانید و بخش های دیگری را نیز در شماره های آینده. از انتشار این کتاب تقریباً یکسال می گذرد.

کتاب بیان کننده دیدگاه ها، اطلاعات و برداشت هائی است که نویسنده- و همکاران او- درباره اوضاع ایران- در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم- دارند و خواه نا خواه - بنابر سرشت چنین موسساتی در کنار دولت فرانسه- به ریشه ها و انگیزه های طبقاتی و اقتصادی مسائلی که به آنها اشاره می کند نمی پردازد.

مهم ترین نکته ای که از این کتاب مورد نظر ماست و روی آن انگشت می گذاریم و بدان خواهیم پرداخت، همانا فاصله گیری از جنجال های روز و جستجوی انگیزه های پنهان سیاستی است که حاکمیت جمهوری اسلامی بموجب آن انتخابات نیمه پادگانی ریاست جمهوری دوره نهم را برگزار کرد و بسیاری از امور حساس کشور را بدست شماری از فرماندهان سپاه سپرد که با این انگیزه ها و سیاست همسو هستند. این امر تنها شامل فرماندهان مستقیم سپاه نمی شود، بلکه برخی چهره های خشن و بدنام اطلاعات و امنیت ۲۸ سال گذشته نیز، که سابقه ای دو سویه دارند- هم در سپاه و هم در وزارت اطلاعات و امنیت و دادستانی ها مصدر امور بوده اند- همراه با ماجراجوترین فرماندهان انتظامی و سپاهی تا صدر حاکمیت پیش کشیده شدند.

هدف از این نوشته، بیرون کشیدن نام ها و پرداختن به سوابق آنها نیز نیست، چرا که در این زمینه ها - درست و نادرست- بارها از سوی این و آن فعال سیاسی داخل و یا خارج از کشور افشاگری شده است. آنچه در تمام این دوران از سوی اپوزیسیون داخل و خارج بدان پرداخته نشده و اتفاقاً برای شناخت اوضاع امروز ایران و روند حوادث آینده بدان بیش از افشای چهره و نقش آفرینی این و یا آن فرد نیاز است، همان است که مرکز تحلیل های استراتژیک فرانسه - در چارچوب مسئولیت های خود در کنار دولت فرانسه- بدان پرداخته است. یعنی چرائی و چگونگی تصمیمات و شناخت ضروری سیاستی که در ایران حاکم شده است. سیاستی که بار کشاکش پرحادثه و خونین مقابله با اصلاحات و دولت خاتمی را نیز بر دوش دارد. در غیر اینصورت حوادثی که بی وقفه روی می دهند و یا جنجال های نوبتی که دولت و بویژه وزارت کشور و نیروی انتظامی تحت امر قائم مقام آن برای سرگرم کردن و یا ایجاد وحشت در جامعه تولید می کنند ما را از امر مهم تحلیل و شناخت دلایل این حوادث و رسیدن به انگیزه های سیاستی که حاکمیت پیش می برد باز می دارد.

اعتبار و اهمیت تحلیل مرکز استراتژی فرانسه در همین نکته است و به همین دلیل نیز ما توصیه می کنیم همه خوانندگان راه توده، با در نظر داشتن توضیحات بالا آن را بخوانند. اما، این هنوز تمام توصیه و تاکید ما در این یادداشت کوتاه به توده ای ها و بویژه خوانندگان پیگیر راه توده نیست. توصیه و تاکید بر ضرورت بازخوانی با حوصله سرمقاله های دو سال اخیر راه توده، بویژه چند سرمقاله هائی که بارها بر ضرورت بازخوانی آن تاکید کرده ایم. از جمله سرمقاله شماره ۸۰ راه توده و یا سرمقاله شماره گذشته راه توده بعنوان نمونه های مورد نظر ما.

در جمع بندی توصیه ها و حساسیت های طرح شده در بالا، تنها می توانیم بنویسیم: باید به ریشه های استوار سیاست جنگی- اتمی حاکمیت جمهوری اسلامی راه یافت و با تکیه بر این

شناخت، به افشا و مقابله با این سیاست برخاست. این سیاست، از نظر ما و علیرغم همه شعارهای تند و تیزی که داده می شود و مانورهای عوامفریبانه ای که رئیس دولت در داخل کشور مسئول بیان آن شده، کوچکترین اعتباری بعنوان یک سیاست ضدامپریالیستی ندارد. این سیاست عمدتاً برای تثبیت موقعیت حاکمیت، حل تضاد منافع دو قشر سرمایه داری سنتی و سرمایه داری نظامی و برانگیختن هیجانات شیعیان منطقه با هدف تبدیل آنها به گوشت دم توپ، گسترش شیعه در کشورهای منطقه و دست یابی به بازار پرسود فروش تسلیحات، تولیدات پتروشیمی و اتومبیل های مونتاژ شده در ایران به کشورهای نفت خیز و ثروتمند و برقراری هژمونی نظامی - مذهبی در منطقه است. این اهداف هیچ نوع همخوانی با منافع ملی مردم ایران ندارد؛ نه تنها ندارد، بلکه علیه آن نیست هست و می تواند دودمان کشور و مردم را بر باد بدهد.

به آنها که هنوز در امواج تبلیغاتی و خبرسازی حاکمیت مجری سیاست جنگی- اتمی گرفتارند و سفر فلان رئیس جمهور مترقی و دمکرات امریکای لاتین به ایران و یا بالعکس، فلان شعار و تهدید و تحریک امریکا و را نوعی ماهیت ضد امپریالیستی حدس می زنند و از آن فراتر، آنها را دارای بار انقلابی می دانند، باید توصیه کرد، در همین شماره راه توده، آخرین بخش انتشار یافته از کتاب ماتریالیسم تاریخی زنده یاد امیرنیک آئین را با دقت بخوانند. پس از خواندن دقیق این بخش، می توان از خود پرسید: آیا مناسبات و روابط اجتماعی در ایران دگرگون شده و یا در حال دگرگونی است؟ تا بتوان رویدادهای امروز را گامی انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد کرد. هر آنکس که دچار تردید است، به آمار و ارقام واردات، شمار اعتصاب های سرکوب شده کارگری، تعداد کارخانه های نابود شده، ستیز با ابتدائی ترین حقوق و تشکل کارگران و دیگر اقشار زحمتکش اجتماعی مراجعه کند، تا آن روی سکه شعارها و ژست های جنگی و انگیزه های اقتصادی- مذهبی- سیاس پنهان در پشت آن را بخاطر آورد.

و باز، ما برخاسته از ضرورت توجه به ریشه های واقعی سیاست جنگی حاکم و سازمان دادن نیروی مقاومت ملی در برابر آنست که در تمام دو سال گذشته بر شعار "جبهه واحد صلح، برابری، آزادی" و یا هر نام دیگری که این اهداف و در راس آن "صلح" و "مخالفت با جنگ" قرار داشته باشد تاکید کرده ایم.

و باز در همین ارتباط است که در دو سال گذشته نه با پیشرفت های انرژی اتمی در ایران و نه حتی با تولید صنایع نظامی ملی در ایران، بلکه با سیاست جنگی حاکمیت و فضای جنگی که بر کشور حاکم شده مخالفت کرده ایم. همانگونه که با هر شعار و سخن و بازی دیپلماتیکی که ظرفیت فراهم سازی خطر حمله به ایران را در برداشته باشد مخالف بوده و هستیم. به همان اندازه که با حمله امریکا و یا هر قدرت نظامی دیگری به ایران مخالف بوده و هستیم و با رد هر نوع دل بستن به خارج و همسوئی ضد ملی با قدرت هائی که در تدارک حمله به ایران هستند، بر حل تضاد مردم و حاکمیت در داخل کشور و به همیت توده مردم تاکید کرده ایم. ما، همچنان معتقدیم که هنوز آنقدر از ظرفیت های انقلاب ۵۷ در جامعه دگرگون شده ایران باقی هست که بتوان با تکیه بر آنها، به مقابله با سیاست جنگی حاکمیت و نقش به غایت مشکوک عده ای که با تحلیل های خود در پشت درهای بسته این سیاست را بر کشور حاکم کرده اند برخاست. تحلیل هائی که به بخشی از آن، مرکز تحلیل های استراتژیک فرانسه نیز اشاره کرده است و ما به شهادت سرمقاله های دو سال اخیر راه توده، به مراتب بیشتر و فرا تر از مرکز یاد شده بدان پرداخته ایم!